

توضیح: متن زیر مذاکرات بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بخش مارکسیست شده سازمان مجاهدین خلق ایران است که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

**با سپاس از رفتائی که در امر تبدیل گفتاری آن مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.
سایت سیاھکل - دسامبر ۲۰۱۰**

(نوار شماره چهار - قسمت اول)

حمید اشرف: چون فکر می کردیم که حس می کردم که رفیق رابط شاید در اینجا نقشی داره، و شاید مسائل به اصطلاح یعنی ارتباط محدود یک مانعی هستش برای پیشبرد این امر نزدیک شدن. گفتیم دو نفر از شما

تقی شهرام: این پیشنهاد هم به ما نرسیده.

حمید اشرف: و دو نفر از ما بیان و یک کمیته ای درست بکنند

تقی شهرام: این پیشنهاد هم

حمید اشرف: کمیته بررسی جبهه، یعنی، حتی این طرح یادمه و پیشنهادش هم یادم هست.

تقی شهرام: بله. خوب، حالا شما میگین، ما قبول داریم.

حمید اشرف: کمیته بررسی جبهه باشه. بیائیم بررسی کنیم زمینه های اشتراکمون رو، حالا هر چی، شما به ما انتقاد دارید، نمی دونم اختلاف دارید. چون بخصوص موقعی بود که در خارج از کشور هم این رادیو میهن پرستان اینها راه افتاده بود،

تقی شهرام: بله. اوج گرفته بودقضایا

حمید اشرف: در خارج هم قضایا مطرح بود، ما خواستیم حداقل نزدیک تر باشه.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: یک سری اختلالاتی هم در اون رابطه پیش اومده بود،

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: در رابطه خوندن کتابها و نمی دونم مسائل مربوطه اش و اینها

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: که این رو ما گفتیم بیایم بشینیم، حداقل ارتباط، مداوم و نزدیک باشه و به صورت تصمیم گیری هایی دربیاد، نتیجه این جلسات ارتباطی. چون عملاً ارتباطات به صورت مبادله اخبار بود.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در یک دوره خیلی زیاد شاید یک ماه و یک ماه و خورده ای

تقی شهرام: ولی ببینید، اجازه بدید من یک چیزی بگم. من خاطر هستش که اولین باری که ما، در همین دوران اخیر، یعنی حدود سال ۵۲، ضرورت یک برخورد فعال را طرح کردیم، همینطور که خودت هم وسط هاش گفتی، وسط صحبت خودت قبلاً گفتی، از طرف ما بود. و ما طرح کردیم که این نوع ارتباطات فایده ای نداره، بیائیم بنشینیم یک برخورد اصولی تری بکنیم، آخه این چه فایده ای داره، هی بیا و برو و فلان کن

حمید اشرف: ولی خوب ما گفتیم بیائید کمیته تشکیل بدیم بیائید بشینیم، کجا بشینیم؟ آخه این که ما بیشتر بحث های دونفری کردیم. رفیق می گفتش که فایده نداره، ولی ظاهراً

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: من استنباط ام حالا این است،

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: به خاطر چیزهایی که میگین ، که شما می خواستید با کنایات، ما را متوجه خطای خودمون بکنید و به موضعگیری، به قول خودتون صادقانه، بکشونید.

تقی شهرام: البته این برای ما، بودش

حمید اشرف: آخه این با کنایات این واقعا خیلی نادرسته،

تقی شهرام: این برای ما بود. بین این برای ما بود.

حمید اشرف: چون شما یک بار کنایه اینکه هر کسی نسبت به طبقه خودش صادق است رو زدید

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: یک بار دیگه هم کنایه این که این ارتباط چیه، فایده نداره. نمی دونم خوب، فایده نداره؟

تقی شهرام: معلوم بودش. ولی بین چی می گم

حمید اشرف: پیشنهاد؟

تقی شهرام: آخه، ما پیشنهاد دادیم، گفتیم که

حمید اشرف: ما که پیشنهاد انتقاد و انتقاد از خود را داده بودیم

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: پیشنهاد تشکیل (نامفهوم...)

تقی شهرام: خوب، ما استنباط مون چی بود؟ استنباط ما این بودش که شما درواقع می خواهید در پناه یک چنین انتقاد و انتقاد از خودی، درواقع، اساسی ترین انتقاد، یعنی اصول و ریشه انتقادات را درواقع، به این ترتیب لوٹ بکنید. یعنی خیلی راحت خیلی خوب بگید این یک اشتباه بوده، یک خطا بوده، ما قبول می کنیم. و ادامه پیدا می کرد همه اون قضایایی که ما اساساً

حمید اشرف: نه خوب شما هم اگر در آن شرایط، شما که

تقی شهرام: بین! ما نمی تونستیم. ما قادر نبودیم

حمید اشرف: شما که همیشه از مواضع خرده بورژوازی دفاع کرده بودید،

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در مقابل ما حداقل، در روابط مشخصی که با ما داشتید، این مسئله حاکم بوده.

تقی شهرام: ببینید، ما فکر کردیم شما اولاً، این مسئله جریانات ایدئولوژیک ما را می فهمید ولی خودتونو به نفهمیدن می زنید. یعنی چون تقریباً

حمید اشرف: بین، این حرف این اشتباه بزرگیه ضمناً، که شما هنوز هم داریدش

تقی شهرام: نه اجازه بدید

حمید اشرف: و فکر می کنید که مسئله اصلاً میتونه این باشه.

تقی شهرام: نه حالا

حمید اشرف: چرا که حتی اگر ما، جریان به اصطلاح حتی مثلاً این کتابهای شما، کتابهای مارکسیستی شما، که اومده دست ما

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: شما این کتابها را هم دادید، شاید مثلاً مقصود این بود

تقی شهرام: آها، بین

حمید اشرف: که ما متوجه بشیم.

تقی شهرام: بسیار خوب، مثلاً ما

حمید اشرف: این کتابها

تقی شهرام: مقدمه رویونیزم را دادیم، شما چی از این تو فهمیدید؟ بین، مقدمه رویونیزم دقیقاً ضمیمه همون آذرماه ها! اینها همش به هم ارتباط داره.

حمید اشرف: نه خوب، چیز هم مال کتاب آفاناسیف هم نمی دونم گرفته بودیم و فلسفه

تقی شهرام: آها، مثلاً، شما فکر نکردید که آخه کسی که این مقدمه رو مینویسه، یا به سازمانی که این توش پخش میشه، اگر تو این سازمان، آخه ما اینو پخش کرده بودیم دیگه، تایپ کرده بودیم، منتشرش کرده بودیم، تو سطح جامعه هم حتی انداختیم.

حمید اشرف: کدوم؟

تقی شهرام: همین مقدمه ای بر رویونیزم خروشچف که تو این ضمیمه آمده،

حمید اشرف: خوب اون کتاب را کی به ما دادید؟

تقی شهرام: ما اینو کی دادیم؟

حمید اشرف: تابستون پیش.

تقی شهرام: تابستون دادیم؟

حمید اشرف: بله

جواد قائدی: راست میگه

تقی شهرام: مقاله

حمید اشرف: شما اولین چیزی که به ما دادید، ما بعد از جلسه ای که تو تابستون با هم داشتیم،

تقی شهرام: خوب ولی

حمید اشرف: شما، تحلیل عراق را دادید. یعنی بعد از جلسه تابستون، تازه اولین باری که مطالب مارکسیستی به ما داده شد

تقی شهرام: درسته. من اشتباه کرده بودم.

حمید اشرف: بعد تابستون، بعد از جلسه بود اصلاً

تقی شهرام: اون بعد از (نامفهوم...)

حمید اشرف: که بعد از اون هم مقدمه بر رویونیزم خروشچفی را دادید و بعدش هم که این کتاب جدید.

تقی شهرام: آها! بعد شما هنوز هم، این موقع، در این موقع ها که این کتابها را دادیم، شما تفسیرتون چی بود از قضیه؟

حمید اشرف: ما، اولاً می دیدیم که سازمان مجاهدین، کتابهای تاریخ شوروی، تاریخ حزب کمونیست چین، درس های مختصر حزب کمونیست چین، و آفاناسیف، این سه تا کتاب را ما رسید به دست ما. حتی مثل اینکه قبل از این جریان هم رسید.

تقی شهرام: بله. قبل اش بود

حمید اشرف: اینها، آفاناسیف را ما خوندم، دیدیم که بخش هایی که از مذهب تحلیل کرده

تقی شهرام: ها

حمید اشرف: حذف شده.

تقی شهرام: ها! هم چنین چیزی نیست!

حمید اشرف: حالا یکی یکی مطابقت کنیم

تقی شهرام: ببینیم

جواد قائدی: فلسفه مارکسیسم مال آفاناسیف نیست

تقی شهرام: اون فرق میکنه، مال آفاناسیف نیست. اون فلسفه مارکسیسمه پیش شما. همون که با یک جلد الکلی نوشته شده؟ جلد قرمز داره؟

حمید اشرف: همونه.

تقی شهرام: اون آفاناسیف نیست. ببینید، اینا چند تا کتابه، عین هم هستند، ما اتفاقاً دنبال همین آفاناسیف می گشتیم. اجباراً، این فلسفه مارکسیسم را، این از قبل از شهریور، ما نسخه هاشو داشتیم و تکثیر کردیم این موقع. دقت می کنید؟ یعنی اصلاً این اصلاً خیلی عجیبه، این حرفی که شما می زنید. ما تمام نسخه ها، یعنی یک نسخه قبل از شهریور داشتیم، اینو در همان دوران، همان دوران مبارزه ایدئولوژیک و بحث و اینها تکثیر کردیم.

حمید اشرف: آها. پس اگر این مال قبل از شهریوره،

تقی شهرام: اون موقع هم ترجمه کردیم.

حمید اشرف: همون موقع ترتیب اش را داده اند.

تقی شهرام: ولی آخه یک مسئله را هم دقت کنید.

جواد قائدی: جو ضد مذهبی شد

تقی شهرام: آخه یک مسئله را هم دقت کنید. این ترجمه اصلاً تفاوت کیفی داره با این ترجمه ای که اخیراً تو اروپا چاپ شده و شما هم روش شما هم با همین ترجمه تکثیر کردید مجدداً. درسته یا نه

حمید اشرف: ترجمه هاش با هم فرق داره، اما متن یکی است

تقی شهرام: آها. ولی اینو دقت کنید. ما اینو داشتیم.

حمید اشرف: ترجمه هاش

تقی شهرام: و دنبال اون می گشتیم. دنبال اون ترجمه می گشتیم. ببینید من تا حالا خود من نزدیک به این مال آفاناسیف هم نیست. این مال میتن است.

جواد قائدی: این مال آفاناسیف نیست که تکثیر شده باشه. این مال یکی دیگه است.

تقی شهرام: این مال میتنه. من یادمه. این قبل از شهریور، این اصلاً ما تو برنامه هم نبود به آن معنا. ولی روی یک قسمتش که مربوط به نسیت و اینها صحبت میکرد، من یادمه که اینو تو یه قسمتی از کلاسها می خوردن و دلایلی می آوردن و نمی دونم این بحثی بود، حالا اونو کار ندارم. ولی این مال میتنه، این مال آفاناسیف نیست و ما اتفاقاً دنبال آفاناسیف می گشتیم، بعداً از یه طریقی گیر آوردیم، نسخه چاپ شده خارج شو. و من از این فلسفه مارکسیسم نزدیک به ۴، ۵ تا ترجمه تا حالا دیدم که همه اش هم همین مباحث داره و همه اش هم مال روسیه است. مال میتنه، مال آفاناسیف اسم هایی از این قبیل داره، ولی ما اصلاً حذف نکردیم. برای اینکه این مسئله روشن تر بشه، من اشاره می کنم به همون تاریخ حزب کمونیست شوروی.

حمید اشرف: حالا، یک چیزی دیگه هم در این رابطه، شما درست میگرد. چون یکی از رفقای ما که در این زمینه ها یک مقدار وارد بود و متون در اختیارش بود، این اظهار نظر را کرد.

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: چون بویژه در اون فلسفه مارکسیسمی که شما درآوردید، در مورد مذهب هیچ موضعگیری که مطلقاً نشده.

تقی شهرام: چرا، اونجا گفته در ابتداش، راجب به مذهب و ایده آلیسم و اینها. و بعد

حمید اشرف: در مورد مسئله مذهب

تقی شهرام: ما ماتریالیسم دیالکتیک را منتشر کردیم توی خود اون مثلاً فرض کنید که تاریخ مختصر

حمید اشرف: ولیکن یک نکته جالبتر این بود که این انتشارات درون سازمانی هرچند درون سازمانی، بدون آرم بود. یعنی مشخص نبود که سازمان مجاهدین آنها را تکثیر کرده

تقی شهرام: آها! ما اصلاً راجع به این مسئله، ما توی درون تشکیلاتیمون اصلاً آرم نمی زنیم، خیلی کم. یعنی تا حالا مثلاً این کار را نمی کردیم.

حمید اشرف: ولی خوب جزوه تکنیکی را زده بودید. چون اون هم الکی بود، با همین خصوصیات که اینها داشت

تقی شهرام: ولی این اصلاً حساب شده نبود.

حمید اشرف: یا مثلاً (نامفهوم...) اون حورده بود ولی این نخورده

تقی شهرام: اینو من به شما مطمئناً بگم که

حمید اشرف: تو همین کتابهای ولی فرض کن جزوه، جزوات تکنیکی و اینها که تا اونجائی که به دست ما می رسید آرم دار بود، ولی هیچکدام از این مارکسیستی ها حتی مثلاً نوشته نشده بود

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: که مجاهدین درآوردند.

تقی شهرام: نه. اصلاً ببینید، یک مسئله ای رو بهتون بگم، این اصلاً اشتباهیه که در اینجا داره صورت می گیره. ببینید، برای ما مهم هم نبود که حتی مثلاً اگر اون موقع ها مثلاً کتاب مارکسیستی هم منتشر کنیم و آرم هم بزنینم. چون اصلاً ما در از نظر انعکاس اجتماعی، ما مارکسیسم را به صورت یک علم قبول داشتیم. خوب مسئله ای نبود، از این نظر اصلاً برای ما تناقض ایجاد نمی کرد. ولی اینش مهمه که ما این نوع کتابها را برای آموزش درون تشکیلاتی شدیداً منتشر کردیم و شدیداً گذاشتیم توی آموزش. مثلاً ما "تاریخ مختصر" را کی به شما دادیم؟ من یادمه سال ۵۲ دادیم. سه جلدشو منتشر کردیم، سریع هم منتشر کردیم، به همین دلیل هم یک مقدار

حمید اشرف: ۵۲ که ندادید.

تقی شهرام: ۵۲ دادیم،

حمید اشرف: سال ۵۳

تقی شهرام: اواخر. اصلاً اون فردی که اینو نوشته، من یادمه اصلاً سال ۵۳ تو دم دست نبود، تا اونجا که من یک مقدارش یادمه. حالا نمی دونم. ولی

جواد قائدی: درون خودمون که تو زمستون ۵۲ دراومد. حالا ممکنه به شما دیر تر رسیده باشه

حمید اشرف: بله به ما چندین ماه بعد

تقی شهرام: بله، ما اینها را منتشر می کردیم، تو آموزش وارد می کردیم، و بعدش هم، ما اصلاً غیر از این کتابها، میگم، باز ما بیشتر انتظار داشتیم که شما از همین انعکاسات خارجی ما

حمید اشرف: ولی رفیق من یک چیز دیگه هم به شما بگم

تقی شهرام: بگو

حمید اشرف: که ما در سال ۵۳

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: در تابستان سال ۵۳، که درحقیقت بحیوبه بحث های به اصطلاح، پروسه مارکسیستی شدن سازمان هست

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در رابطه با رفیق رابط سازمانی، در مقابل یک مسئله ای قرار گرفتیم، که این هم فاکت مشخصی می تونست باشه.

تقی شهرام: باشه

حمید اشرف: به طوری که، رفیق دو تا مسئله را مطرح کرد می کرد یکی مسئله تکامل بود، تکامل طبیعی یعنی اینکه تکامل طبیعی و وارد شدن به دانش مارکسیستی معمولاً از این راه ها صورت میگیره. یعنی مثلاً مذهبی ها و اینها، معمولاً از این

تقی شهرام: یک پروسه اش اینه

حمید اشرف: یک پروسه اش

تقی شهرام: بله.

حمید اشرف: یک طریقتش، یعنی چیز های احساسی یعنی نقاط حساسش هم هست.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: آن موقع که حالت احساسی دارند و اینها

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: رو مسئله تکامل خیلی مقاومت می کنند. که این مسئله این رفیق در مورد تکامل، طرحی را مطرح کرد که این مسئله تکامل هنوز اثبات نشده.

تقی شهرام: این تقدم ماده و اینکه مثلاً فرض کن چه جوری

حمید اشرف: نه، اصلاً، مسئله به اصطلاح این

جواد قائدی: پیدایش انسان.

حمید اشرف: پیدایش انسان و اینها مسئله ای است که اثبات نشده است.

تقی شهرام: این

حمید اشرف: این مسئله در رابطه با اینکه این دیگه یک نظری بود که واسه ما خیلی چیز خیلی جالب توجه! که حتی مثلاً خیلی از رفقا توی زندان و اینها بودند که مسئله تکامل را قبول داشتند. و این رفیق تکامل را هم قبول نداشت

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: از نظر ایدئولوژیک، آره، دفعه پیش هم قبول کرد که آره این مسئله درسته.

تقی شهرام: آره؟ چی بوده قضیه؟

جواد قائدی: من یادم نیست.

حمید اشرف: این تو نوار ها هستش، اگر دقت کنید.

تقی شهرام: نه. توی نوار هم یک همچین چیزی نیست

جواد قائدی: یک همچین چیزی را ما نگفتیم رفیق!

حمید اشرف: نه، اون رفیق گفت.

جواد قائدی: اون رفیق هم نگفت.

حمید اشرف: چرا حالا می خواهید

تقی شهرام: آخه نیست تو نوار

جواد قائدی: آخه نیست یک هم چنین چیزی!

حمید اشرف: اگه می خواهید اگه اجازه بدید، من تو نوار پیداش می کنم، دفعه دیگه می یارم اینجا.

تقی شهرام: اصلاً بگو چه ساعتی از نوار است، ما داریم، پیدا می کنیم، میاریم.

حمید اشرف: من یادم نیست. تو صحبتها، تو محاوراتمان بود.

تقی شهرام: ولی توی نوار همچین چیزی ضبط نشده. من که گوش دادم ضبط نشده بود. حالا ممکنه در بیان گفته باشه، ولی ضبط تو نوار نداریم. من که گوش دادم، نبود.

حمید اشرف: حالا از خودش بپرسید، یادش هست حتماً.

جواد قائدی: حتما

حمید اشرف: چون دفعه پیش هم تأیید کرد. و من یادم هست. شاید تو نوارها ضبط نشده.

تقی شهرام: یعنی تأیید کرد که مسئله تکامل، هنوز حل نشده؟

حمید اشرف: نه، نه، ببینید، درمورد خود اون رفیق میگم

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: حداقل. چون اون رفیق در اون جلسه، که من یادمه تابستون بود، تابستون ۵۳ بود مثل اینکه، که ما، حتی جای قرار هم بهش گفتم و یادش بود، که ما طرف های خیابونهای سه راه حوالی امیری نمی دونم تیموری و اونجاها، داشتیم راه می رفتیم و صحبت می کردیم، که رفیق دو تا مسئله را طرح کرد. که یک مسئله اش به طور مشخص ضدعلمی بود که خوب، من اصلاً هیچی اصلاً بحث نکردم. گفتم خوب، رفقا مذهبنید دیگه، مسئله تکامل، قبولش ندارند. ما که هدفمون بحث فلسفی نیست.

تقی شهرام: بله بحث فلسفی نیست. خب

حمید اشرف: یک چیز دیگر هم طرح کرد، که اونو گفتم، گفت نه من منظورم این نبوده. و اون مسئله اختلافات چین و شوروی بود.

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: که مطرح می کرد که این اختلافات چین و شوروی، به اصطلاح، به شکل سوال انگیز، به عنوان به صورت یک مسئله، یک مسئله پیچیده

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و حتی، استنباط من این بود، شاید چون بلافاصله بعد از اون جریان تکامل بود، فکر کردم رفیق داره، تو این جلسه می خواهی یک مقدار مواضع ایدئولوژیک مارکسیست ها را مورد

تقی شهرام: حمله قرار بده

حمید اشرف: حمله قرار بده و بگه باباجون اون هم چین و شوروی بودند که

تقی شهرام: خراب کردند

حمید اشرف: اون طوری خراب کردن. اختلافات یعنی تق مارکسیسم و کمونیسم و اینها

تقی شهرام: در آمد

حمید اشرف: درآمده، از نظر ایدئولوژی هم که تکامل و اینهاش فعلاً مورد بحث و اینهاست. و چون این مسئله چین و شوروی هم به دنبال اون که البته رفیق دفعه پیش گفت که مسئله چین و شوروی من اون مقصود را نداشتم. من هم قبول کردم. ولی احساس من در اون موقع این بود.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در تابستون ۵۳ بود. و با توجه به این فاکتهایی که ما داشتیم، این چیزهایی که می دیدیم دیگه! خوب رفیق رابط سازمانی معتبره دیگه.

تقی شهرام: بله معتبره، مسلمه.

حمید اشرف: طبعاً این که رفقا، این برای ما مطرح بود که در سازمان مجاهدین، جریانات مارکسیستی هم اگه هست، من فکر کردم که این رفیق الان، تو درون دچار یک سری مسائلی هستند، که دارن دومرتبه جریانات مارکسیستی که رشد میکنه، یک مقدار مورد

تقی شهرام: حمله قرار گرفته

حمید اشرف: حمله قرار گرفته، که این رفیق هم، بازتابش هم پیش ما اینه.

تقی شهرام: این کی بود؟ تابستون ۵۳؟

حمید اشرف: آره، تابستون ۵۳ بود.